

9-14-1969

Kārawān, 1348-06-23, 1969-09-14

Abdul Haq Waleh

Ṣābahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>

 Part of the [Asian History Commons](#)

Please take our feedback survey at: https://unomaha.az1.qualtrics.com/jfe/form/SV_8cchtFmpDyGfBLE

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣābahuddiñ, "Kārawān, 1348-06-23, 1969-09-14" (1969). *Kārawān*. 361.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/361>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.

نویسنده: ریشمارد اورنگر

داستان جهان گردی مارکو پولو

مترجم: غلام احمد پوپل

(بقیه از صفحه ۲)

مکاتیب وارده

آورده است، بدین معنی که هر دوازده هفته از دور، هر مرتبه و رشوت ستان و قاچاق بر و چاکر سیاه زمین خوار ما نند ملاک بسزراک با گردن افراشته را ه میرود و مذکور خانه تلاش میوزد تا مارک خود را بدیگران بچسباند ولی مردم دیگر همه چیز را میداند و این نیز نگارنده جز سقوط در زباله دان بدنامی نمرد دیگری نخواهد داشت.

یادداشت اداره: با احترام علی حسین

این روزنامه خبرهای مربوط به تمام جریانات را چاپ میکند و اگر نشر یک خبر به جریانی دیگر برخورد قصوری متوجه آن نیست.

قابل توجه

بلخی لمتد باطلاع عموم مصرف کنندگان پودر برف میسرساند که تبادل قطعی های خالی پودر برف الی ۱۵ میزان ۸۰ صورت میگیرد بعد از تاریخ فوق قابل قبول نیست.

نساجی عبدالرؤف مقصودی
بافندگی منسوجات مخفی و سندی



ABDUL RAUF MAQSUDI
TEXTILE MILLS KABUL

نساجی مقصودی محصولات جدید خود را تقدیم میدارد:
کتان برنگ ها و جنسیت های مختلف، تکه های را هدار، هر نوع فرمایش را می پذیرد.
نمایندگی فروش: سرای هزاوگل دکان عارف و تمام دکانهای تکه فروشی کابل و ولایات.

(بقیه صفحه ۲)

وکیل صاحب مزاج تان چطور است؟!

یکی برای دیگر خود مینمودند و وکیل صاحب چنین فرمود، در صحبت او در آمده گفتم خوب میشدند که این تبلیغ برای شان برادر و قتی جوانان بیست ساله مفید ثابت میشود. مثلاً در بین سرویس یکی دیگر خود را داکتر صاحب در دکان ها، در هو تنها و امثال آن. ضابط صاحب و قاضی صاحب بگویند چهل ساله چرا یکدیگر خود اکنون درین قطار یک خطاب دیگر افزوده شده است. کاندید های هر محل چون به همدیگر میرسنند یک دیگر خود را «وکیل صاحب مزاج تان چطور است؟» خطاب مینمایند تا همدیگر را تسلسلی داده باشند و نیز چند نفر از دوستان خود را که در امر مسابقه و کالت باو یا وری مینمایند فهمانیده باشند که هر بار راجع به آن کاندیدها بحثی شود بگویند بلی وکیل صاحب چنین گفت وکیل صاحب چنین کرد:

آنکه و قتی اینها بین چند نفر وکیل صاحب وکیل صاحب معروف شدند بازمثل کسیکه اصلاً سید نیستند اما نام شان سید احمد، سید محمد، سید آقا و امثال آن میباشند بعضی جاها «آغا صاحب» خطاب شده خود را تیر میکنند. خود را وکیل قلمداد دهند مثل آنکه حاکم، مدیر، رئیس، معین و وزیر های سابق را اگر بهمان القاب یادکنی چهره در هم میکشند که بابا حدت را بشناس باکی رو برو استی؟ اکنون اگر بعد از انتخابات آن کاندیدی را که اطرافیان نش سر از بالا «وکیل صاحب» خطاب میکنند. در نتیجه وکیل نشد هنگام ملاقات اگر «وکیل صاحب چطور استی؟» نگوئی سلامت را علیک نخواهد گرفت. گفتم خوب برادر همین خطاب قبلی ومفت آن در خانه کیست؟ لااقل چند روزی تا هنگام نتیجه آرا سبوی خانه خود را از آن خریده میتواند.

را کج گذاشته بود و آوازش مانند شیر بگوش میرسید. او به کاکایم عرض نمود لاش پو ستهای قیمت بها داد. کلاه پو ستهای خود را هیچگاه از سر بر نمی داشت. حتی حین طعام خوردن که ما مهمان او بودیم نیز کلاه بر سر داشت. تمام ما بالای دو شکمهای ابریشمین چهار زانو نشسته خوراکی ها را میجویدیم اطعمه، میوه ها، شیرینی ها در بشقابهای مطلا آورده شد. در هر خانه کربههایی داخل و خارج میکردید که دایره موهای خیلی نرم ابریشم ماندی بود حیوانات خیلی قشنگ و از اقسام خیلی شاذ و نادر بودند. چنینکه به سواری اسب طرف دکانها رفتیم در آنجا نیز انواع دیگر آنها را دیدیم که مانند پلنگ خط دار بودند. همچنان رنگهای مختلف آنها موجود بود، نه تنها کربه های سفید با چشمهای سرخ بلکه مثل پلنگ خط دار و آبی رنگ آنها را نیز دیدیم آقا یون از این کربه ها آنقدر تمجید کردند که بالاخره فیصله نمودند یک تعداد از آنها خریداری کنند. در سابق می گفتند کربه ها مانع و قوع طاعون می شود. مالک این کربه ها هیکل مسلمان بود او گفت میترسم کربه ها در خارج کشور طاعت نکرده مریض شوند و از غم دوری و طن و صاحب خود بمیرند.

مسر ماتیو با وجود آن میخواست چندتای آنها را خریداری کند. تاجر مذکور گفت برای مرئی این کربه ها را نیز با آنها ارسال خواهد کرد مسر ماتیو ازین سخن خیلی خرسند شده بسیار تشکر کرد.

پدرم یک چیز کمیاب دیگر را نیز برای ایتالیا پدید کرد که عبارت بود از دروازه اسب مغلی نژاد خالص اینکه چگونه اسپه های چنگیز خان در آنجا پیدا می شد مرا خیلی به هیجان آورد.

این اسپه از اولاده همان نژاد

بفروش میرسد

یک عراده مو تر سایکل هوندی ۵۰۰ سی سی جاپانی برای فروش حاضر است.
مرجع مفا همه روز نامه کاروان، تلفون های ۲۳۳۷۸ - ۲۵۰۷۴ در وقت رسمی

آگاهی

در ملی سینما تیا تر عالی ترین فلم تازه وارد اجتماع، انتباهی و عشقی ایرانی بنام استگاه ترم به اشتراک هنر مندن معروف سبیل و متو چهر طایفه مقامی ونظفی. اوقات نمایش ساعت ۵، ۷ و ۱۰ شب.
روزهای تعطیل ساعت ۱۰ قبل از ظهر

سال نو کاروان

در ماه میزان خاتمه می یابد. یکتعداد زیاد خوانندگان مادر آغاز تاسیس این روزنامه با آن مشترک شده بودند. اگر آنها ز خدمات ما قانع هستند میاوریم باز هم با ما مشترک شوند فورمه تجدید اشتراک به آنها مواصلت کرده و صرف آنرا خانه ببری بفرمایند.

روزنامه کاروان که با صمیمیت تام سعی ورزیده خوانندگان را از تمام وقایع آگاه سازد در هر روز سال برای پذیرفتن مشترک حاضر است.

ما توقع داریم با آغاز سال جدید

کاروان درین روزنامه مشترک شوید

گشت و گذر بودند نیز منعکس میگردید. همچنان یک تعداد کشتی های جینوائی را نیز دیده و یکی ستی های و نیزی را درین دیگر ستی ها کشف کردم. چنینکه هلال سر ما نند چراغ روشن گردید و رو شنائی لطیف خود را بالای های کوچک بحر می انداخت یکجا گذاشته بود خواه این اموال بصورت شاعرانه خاموش در پان کشتی و خواه در بالا بود میگردید. در اول مرحله از آن می رسیدم چه هلال مذکور مرا از فروخت. این تاجر آدم خیلی بلند بلطان یاد آور میشدند اما بعد از آن بوده و قاضی ما نند درخت داشت تنگی سحر آسای آنجا مرا آرام چشمها یش آبی و چنه اش عظیم بود بر سرش کلاه پو سته بلند ی

بوید به مشتریان سمنت فابریکه جبل السراج

فابریکه که چندی بواسطه ذخائر متوقف بود و پس به تولیدات نوع پورتلیند سمنت شروع و به فعالیت آغاز کرده. از سمنت جبل السراج که در ده سال گذشته روزه های بزرگ و عمرانات مملکت آبا شده و امتحان فو بی داده ایستفاده کنید

از وقت استفاده نمائید

بنیستی تجارتی بانک بفروش هر نوع اسعار و افتتاح کریدت های اسعاری به تمام مالک جها و حمل و نقل موال از راه شوروی ایران و پاکستان بخدمت شما ناصر است از خدمات بانک استفاده فرمائید.

توجه فرمائید

روغن نباتی ساخته بادام زمینی محصول کمپنی های امریکا صحتی مطمئن تازه دافغانستان از اقومو سسه یکمقدار کافی روغن نباتی بادام زمینی وارد کرده است بطور عمده از قرار فی کیلو ۵۰-۳۲ افغانی از گدامهای ارزاق واقع نخاس به صورت پرچون فی کیلو ۳۲ افغانی از تمام مغازه های کوپونی آزادانه به هم مشهریان محترم عرضه میدارد

از مجله اخبار شو روی

جوانان مادر خارج تحصیل خود را موفقانه انجام میدهند

مصطفی غلام پس از تمام کردن پوهنځی علوم کابل مشغول کار شد مصطفی خوب کار می کرد و از احترام اهالی بر خوردار بود. اهالی شهر دوبار او را بعنوان نماینده مقامات بلدی با تاخت افغانستان انتخاب کردند. ولی آشنایی با متخصصان نفت شوروی که در افغانستان مشغول کار بودند سر نوشت مصطفی را تغییر داد. مصطفی غلام در سال ۱۹۵۳ یعنی تقریباً بیست سال بعد از اتمام پوهنتون کابل دوباره کتابهای درسی را در دست گرفت و وارد رشته اسپیراتور ی انستیتوی پتروشیمی و صنایع گاز مسکو گردید. موضوع رساله او اهمیت زیادی برای افغانستان دارد. مصطفی زیر نظر پرو فیسور نیکالای کنستانینوف متخصص برجسته شیمی شوروی که دانشمند مشهوری است مشغول مطالعه و تحقیق در اطراف مساله تقلیل اتلاف نفت در نتیجه تبخیر محصولات نفتی در شرایط افغانستان گردید. دانشمندان افغانی دور از وطن در پایتخت شوروی بکارمربوط بحفظ مواد با ارزشی که تا این حد مورد نیاز کشورش می باشد اشتغال دارد. مصطفی ضمن کار با یوری خروموف کارمند آزمایشگاه دستگاه جالبی برای احتساب تبخیر عناصر سبک ایجاد کرد و تحقیقات جالبی در این زمینه انجام داد.

مصطفی می گوید «طی سالهای اخیر در وطن من صنایع شیمیایی وارد مرحله پیشرفت خود شده است و امیدوارم که از دانش خود استفاده خواهم کرد.» پرو فیسور کنستانینوف فطور اسپیران را که ملو از نقشه ها و عکسهای مختلف می باشد که ورق می زند و اظهار می نماید که این اثر از نظر علمی چه نفع زیادی در پر دارد. «کمک کردن به او کار آسانی است. او سعی دارد بسیاری از کارها را شخصاً انجام دهد. مصطفی غلام شخص فهمیده است اغلب نظریات خود را که از تجارب شخصی اش سرچشمه می گیرد مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد. او تمام اوقات آزاد خود را در آزمایشگاه می گذراند. مصطفی انسانیست که منظم به کارهای جدید علاقمند می شود. و قتیکه از موضوع جدید بااطلاع می شود واقعا احساس شادی می کند. مصطفی می گوید «عشق و علاقه به علم و دانش را دوستان شوروی بمن تلقین کردند من بخصوص از سرگئی استاسنکو سر مهندس یکی از انبارهای نفت مسکو سیاستگزارم. من او را زمانیکه با اتفاق سایر متخصصان شوروی در ژمنینه مسایل حفظ نفت در شرایط کار با بل کار می کردم، دوست هستیم. مصطفی سپس گفت در اتحاد شوروی ازمن بعنوان یک عضو خانواده استقبال کردند. دانشجویان و اسپیرانهای شوروی و خارجی در شرایط واحدی زندگی و کار می کنند. مردم شوروی، مردم ساده و عاقلی هستند. مصطفی می گوید با مردم شوروی

غلام رسول «رسول» محصل پوهنځی علوم پوهنتون کابل در مورد احوال ظاهری جوانان کشور اظهار نظر نموده طی مکتوبی گفته هایش را اینطور آغاز می کند:

این یک حقیقت روشن است که هر انسان توم با تمایلات و امیال گوناگونی یا به عرصه وجود گذاشته و پیوسته همه آن در مرور زمان رشد می یابد.

در این امر که جوانان در مسیر گذرش ایام موقعیت های مهم اجتماعی را احراز می کنند هیچگونه تردیدی وجود نداشته بلکه کافیه دانشمندان را عقیده بر اینست که جوانان بنیان گذاران واقعی جوامع شان در جهت پیشرفت و ارتقاء می باشند.

سعادت و پیروزی یک جامعه وابسته به نیروهای معنوی نهفته در نهاد جوانان آنست.

غلام رسول ضمن اشاره بهمین موقف اجتماعی جوانان می گوید سقراط فیلسوف بزرگیونان در چنین سعادت و خوشبختی به حیث میزه فطرت انسانها، وجود قوه محرکه یک گروه مشخص پیشرو تازه دم و جوان را لازم می شمارد.

وی همچنان می گوید در حالیکه اخلاق حمیده، صداقت در گفتار صفای نیت، هم آهنگی توافقی، نیک بینی، دور اندیشی، بشر دوستی خیرخواهی، استقامت، تواضع معاضدت و انجام اعمال مفید بشری در جزو ظایف عمده و اساسی جوانان میدانم، عقیده دارم از میان این همه خصوصیات بارز انسانی سه جمله ذیل مبنای کلی و عام رشد فکری و اجتماعی و شایسته گی جوانان را تشکیل می کند.

غلام رسول (رسول) این سه جمله را صندق گفتار، اجرای اعمال صالحه و وفا بعدد دانسته در مورد توضیح



غلام رسول رسول

متوجه نراکت های اخلاقی طرف مقابل می باشد بسا کشیدگی های بین جوانان مخصوصاً در ساحه نزدیک بقامیل در اثر اخفای حقایق با تنوع کذب الفاظ ارتباط می گیرد.

یک عالم مصری می گوید «تو صاحب اختیار کلماتی هستی که هنوز تلفظ نکرده ای و محکوم گفتاری می باشی که بزدهانت خارج شده سعی کن اگر تجربه نداری سخنت را برای انزجار خاطر دیگران بیرون مینداز.»

وی اجرای اعمال صالحه را موجب رضای جوان دانسته و عقیده دارد آنچه با اجرای آن خوشنودی و راحت وجدان مینماید میگردد ضامن انجام اعمال نیکو و مثبت اجتماعی می باشد تخطی و انحراف از وظایف و جایب و مسئولیتهای فردی و همگانی عقب مانتهای را در جامعه به وجود آورده از شایستگی جوانان می کاهد.

اعمال صالحه نارسا نیست و دیگر گونیهایی ناشی از زیا و تقاضا هر را جبره نموده روزه خو شینینی

یک جوان هفده ساله که تحت پروگرام امریکن فیلد سر و پس در ایالت کانزاس بسر میبرد آرزومند است تا تحصیلاتش را در رشته مهندسی ادامه بدهد.

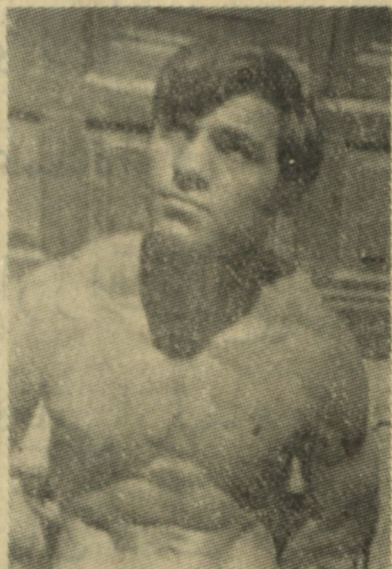
عبدالصبور غیائی که یکی از ۲۳ شاگرد گروپ هفتم امریکن فیلد سر و پس است از صنف دهم لیسه نادریه بعد از امتحانات دقیق لیاقت ذهنی و مهارت در لسان انگلیسی و تاریخ ۴ اگست به امریکا رفته است. متعین مربوط به دوره هفتم بتاریخ پنج اگست به نیویارک رسیده اند. درین تاریخ تمام متعلمان تحت این پروگرام که از صنف دهم ۷۴ مملکت انتخاب شده اند در نیویارک حاضر گردیده اند.

تعداد این شاگردان همه به ۳۰۰۰ میرسد. این جوان با اتفاق فامیل مهمان در خود از مطبوعه بلید امپایر

ذات البینی جماعات را بوجه شایسته میسر می گرداند. وفا بعدد رانیز غلام رسول (رسول) جزئی از تعامل اخلاق اجتماعی جوانان دانسته و معتقد است تبعیت از ارشادات دینی، اخلاقی و اجتماعی خود و دیعه استقرار در عمل وفا به عهد را بدید می آورد.

اینها خصوصیات بارزی است که میشود با رعایت آن یک جوان شایسته شد، چون بودن تنها با داشتن سن شباب تکمیل نمی شود بلکه خصوصیات دیگری هم وجود دارد که رعایت هر کدام آن برای جوانان ما شایستگی معنوی می آورد.

بهر صورت من آرزو دارم همه جوانان با مطالعه این چند سطر رموزی را که من برای شما پسته بودن جوانان دریافته ام تا حد ممکن به کار بند در جای واتی است جوانان عزیز در طی طریق کسب محبوبیت موفق و دوست داشتنی می گردند.



محمد اد ریس هفده ساله و لد محمد یونس که شوق وزن برداری دارد و در تایپ هم دارای مهارت می باشد، در صنف ۸ شپی لیسه تحصیل مینماید.

جوانان

عبدالصبور غیاشی آرزو دارد مهندس تعمیرات شود

صبور یاد آور شد که برای دو سال در خانه آنها بجز انگلیسی حرف زده نمیشد. و این امر برای بهتر آموختن لسان برای صبور بسیار کمک کرده است.

تحت این پروگرام جوانان در سن ۱۶-۱۸ برای یکسال در یک فامیل امریکائی زندگی میکنند و در یک مکتب امریکائی درس میخوانند ایشان علاوه بر مسافرت چندین ایالت از جاهای دلچسپ تاریخی و علمی امریکا بازدید میکنند. هدف این پروگرام آشنا ساختن علمی روش های زندگی تحصیل در امریکا و تسریع در معرفی حیات و کلتور ممکنین میباشد. از لیسه های حبیبیه غازی، و نادریه تا حال در حدود یکصد متعلم درین پروگرامها سهم گرفته اند. در سال گذشته گفته میشد که متعلمان نیز این پروگرام استفاده نمایند اما این مفکوره عملی نگردید.

شاملان این پروگرام معمولاً شامل گردانی هستند که علاوه بر پارچه های عالی از صفات اخلاقی و احترام بدیگران بقدر کافی بر خوردار میباشند.

درین مساله نیز تحقیقات و امتحانات بعمل می آید که آبشاکردن انتخاب شده نظر فیت تحمیلک تمدن پیشرفته را دارند و آیا ازین پروگرام برای آشنا ساختن افغانستان با امریکا و امریکا به افغانستان پس از بازگشت جقدر لیاقت و توانمندی خواهند داشت.

عبدالصبور غیائی که از صنف دهم ب لیسه نادریه بتاریخ ۴ اگست از اینجا رفته است از مادر و پدرش اظهار قدر دانی کرد که آنها تمام کوشش خود را برای سعادت آینده اطفال شان میبذلند.



در عکس چپ باب دایلن خواننده محلی امریکا و در عکس راست یکصد و پنجاه هزاره خواهر و برادر بزرگواریت

بتاریخ ۹ سنبله در جزیره وایت انگلستان از طرف جوانان محشری بر پا شده بود. باب دایلن خواننده ۲۸ ساله امریکائی که امروزه با یت درجه نزد جوانان محبوب است سیزده آهنگ را در ظرف ۶۵ دقیقه سرود. در مقابل سی و پنج هزار پوند ستر لنگ حق الزحمه گرفت. بعد از اینکه دایلن از خواننده فارغ گردید، جوانان باز فریاد بر آورده تقاضای آهنگ های دیگر نمودند.

بیش از یکصد و پنجاه هزاره خواهر و برادر دایلن جزیره گرد آمده بودند و به این یادشاه موسیقی محلی گوش میدادند.

ایشان برخلاف توقع خیلی زیاد را در او بودند و در ظرف سه روزی که فستیوال دوام کرد، وضع نامناسبی از آنها دیده نشد. منتها قدری کار بله ای این جزیره کوچک را مشکل ساختند زیرا پس از اینکه جوانان از اینجا حرکت کردند هزاران قوطی خالی مشروبات از قبیل آبجو و غیره را جا گذاشته بودند.